

دانلود مقاله مالیه عمومی

جهت مشاهده [دانلود مقاله مالیه عمومی](#) به پایین همین صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 63 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



مالیه عمومی

چکیده

هزینه‌های بخش عمومی نیمی از جریان مالیه است در این مقاله تلاش ما بر این است که موارد هزینه حکومت اسلامی را بررسی نمائیم. نگاهی خواهیم داشت بر موارد هزینه و تخصیص منابع که نحوه دخالت دولت را در اقتصاد مشخص و سر فصل‌های امور هزینه را تعریف نماید. امور مختلف سیاسی، نظامی، اداری، تقنینی، اجرائی،

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی، بهداشتی، تأمین، بازرسی و نظارت، عمرانی، برنامه‌ریزی، امنیتی، تعزیری و تنبیهی در این فصول می‌گنجند. دولت اسلام محق نیست که درآمدهایش را به هر طریق که مایل است هزینه نماید لذا به بررسی اصول مالیه و هزینه در بودجه دولت اسلامی می‌پردازیم. دولت اسلام از لحاظ دخالت در امور اقتصادی و اندازه دولت کاملاً منعطف است و در زمانی کاملاً کم اثر و با طیف کم و در زمان مورد نیاز کاملاً مؤثر و با طیف وسیع عمل می‌نماید و این بسته به نیاز زمان و مکان در مداخله در امور طبق شریعت اسلام است.

از اصول هزینه در بودجه دولت اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که در ارتباط با تك تك آنها به بحث می‌پردازیم: عدم جواز حق انتفاع مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی، تشکیلات مالیه برای رفع نیاز مردم، تخصیص هزینه‌های آموزشی مختص به موارد خاص، عدم جواز هزینه‌های دستمزد در انذار، ارشاد، هدایت و تبلیغ، عدم جواز شارع مقدس ص به تخصیص هزینه به سادات، تقریر هزینه‌های تأمین اجتماعی، محدودیت سیاست‌های توزیع مجدد به موارد تأمین، منحصر بودن هزینه دولت به واجبات،

ممنوعیت صرف هزینه در معاملات حرام، محدودیت هزینه‌های انتخابات، وجوب تأمین هزینه‌های زندان و تعزیرشدگان، مناط توافق عمومی در تأمین مالی هزینه کالاهای عمومی، محدودیت سیاست‌های تنظیم بازار به نظارت بر سلامت معاملات، محدودیت هزینه‌های قاضی و والی و بازرس، محدودیت هزینه‌های تجسس و استخبارات، وضع هزینه‌های جهاد و دفاع بر مردم، ممنوعیت اعطای امتیاز و رانت، خرید اموال عمومی بر

اساس قیمت‌گذاری بازار، وظیفه دولت در قضای دیات و خسارات و دیون مجهول‌المدعی علیّه، انضباط مالی خزانه.

مقدمه

مبحث هزینه‌های بخش عمومی یکی از بخش‌های مهم مالیه است و نیمی از جریان مالیه را به خود اختصاص می‌دهد. قبلاً درباره درآمدهای اسلامی مشروحاً صحبت شد [۲]. در اینجا تلاش ما بر این است که موارد مصرف و هزینه درآمدهای عایده برای حکومت اسلامی را بررسی نماییم. علی‌القاعده هزینه‌های يك حکومت شامل دو بخش عمده تخصیص منابع مالی می‌گردد. بخش تخصیص به امور عمومی و دیگری تخصیص به امور افراد دو بخش عمده در هزینه‌ها می‌باشند. در بخش امور عمومی

وظیفه دولت در صرف هزینه‌ها در محل‌هایی است که عموم جامعه از آن بهره‌مند خواهند شد ولی در امور فردی هزینه‌ها به افراد خاص یا گروه‌های خاص برای رفع احتیاجات خاص تخصیص داده می‌شود. هزینه‌های مصروف در امور عمومی در جهت رفع مایحتاج عموم بدون توجه به انتفاع خاص افراد (فرداً فرد) از هزینه‌های به عمل آمده است. در صورتی که در تخصیص منابع به امور افراد هدف‌گذاری تغییر وضعیت يك واحد اجتماعی در جهت مطلوب می‌باشد.

بجای ورود به مباحث این دو نوع هزینه بهتر است به وظایف اصلی دولت اسلام نظری بیان‌داریم. این وظایف خود مبتنی بر اصولی هستند که نحوه دخالت دولت را در اقتصاد مشخص می‌نمایند. و این اصول در حقیقت وظایف و مکانیزم‌های اصلی مداخلات دولت در جامعه را مشخص می‌نمایند. این مداخلات خود همان مواردی است که می‌تواند سر فصل‌های امور هزینه را تعریف نماید.

امور زیر از جمله مبانی دخالت دولت در مسائل مختلف سیاسی، نظامی، اداری، تقنینی، اجرائی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی، بهداشتی، تأمین، بازرسی و نظارت، عمرانی، برنامه‌ریزی، امنیتی، تعزیری و تنبیهی و سایر موارد است.

□ امور سیاسی: شامل کلیه امور مربوط به نحوه حکومت و استقرار آن می‌باشد و دو بخش مسائل سیاسی داخلی و خارجی را در بر می‌گیرد. در این ارتباط حکومت اسلام برای تصدی امور حکومتی که به عهده گرفته است موظف به انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که اداره امور حکومت را شامل می‌شود. این امور از لحاظ واژه شناسی متعارف روز به مباحث «اداره امور دولتی» نامیده می‌شود.

□ امور اقتصادی و برنامه‌ریزی مشتمل بر نظام درآمدها و هزینه‌ها در بودجه و برنامه‌های مختلف تنظیم شده با توجه به دیدگاه‌های اجرایی روش‌های برنامه‌ریزی و مالی است.

□ امور تقنینی: شامل کلیه فعالیت‌های قانونگذاری می‌باشد.

□ امور نظامی: شامل کلیه فعالیت‌های مربوط به دفاع، آمادگی نظامی و مقابله با تجاوزات خارجی و جهاد (در زمان ظهور) است.

□ امور اجرایی: شامل کلیه فعالیت‌های اجرایی است که زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، تربیتی، آموزشی، فرهنگی قرار می‌گیرند.

□ امور قضایی: مشتمل بر امور قضائی و حقوقی و همچنین بازرسی و نظارت است.

□ امور اجتماعی: مشتمل بر امور حفاظتی و تأمین اجتماعی است که دولت اسلام را موظف می‌نماید تا پدرا نه تمام اتباع مملکت اعم از انسانها و وحوش و نباتات را تحت پوشش حمایتی خود مصون بدارد. در هر کدام از اصول فوق نحوه انجام فعالیت‌های حکومت اسلامی در محدوده‌ای قابل تمییز تعریف می‌گردد. بر اساس این حیطه تعریف شده نیز هزینه‌های دولت از محل درآمدهای اخذ شده از منابع مختلف قابل انجام

است. این حیطه‌ها اساس و مبنای مخارج عمومی را مشخص می‌کنند و لذا لازم است که در مورد لااقل کلیات آنها به بحث بیشتری پردازیم. علی‌القاعده دولت اسلام مجاز به هرگونه دخالت در امور فردی یا اجتماعی نیست و میزان آزادی‌های اعطاء شده در اسلام آنقدر زیاد است که برخی بر این شده‌اند که در اسلام تا مرز تجاهر به فسق افراد در امور فردی خود آزادند.

مبحث مهم در این موضوع این است که دولت اسلام محق نیست که درآمدهایش را به هرطریق که مایل است هزینه نماید. به عبارت دیگر هزینه کردن از بیت‌المال فقط طبق قواعد خاصی مجاز است. مصوبات دولتی و یا تقنینی متداول امروزه اجازه استفاده از منابع بیت‌المال را جهت صرف هزینه‌های مختلف نمی‌تواند مشروعیت بخشد. به عبارت دیگر نمی‌توان حتی بر اساس احکام ثانویه موردی جز اضطرار را برای صرف هزینه از قلمرو احکام اولیه مشتتني نمود. برای آشنائی بیشتر با اصول هزینه‌ای در اسلام به بررسی اصول هزینه در بودجه دولت اسلامی می‌پردازیم.

اصول هزینه در بودجه دولت اسلام

همانطور که ذکر آن رفت دولت اسلامی مجاز نیست طبق نظر خود در نحوه هزینه از حدود خاصی پا فراتر گذارد. این حدود در برخی موارد بشدت محدود کننده و در برخی موارد تا حدودی دولت را مجاز به اعمال سلیقه می‌نماید. بسیاری از این مسائل در شیوه‌های مدیریتی روز جهان نیز مطرح است. یکی از این نگرش‌ها و شیوه‌ها مبحث جدید و نوظهور حاکمیت شرکت [۳] است که استانداردهای خاصی را در مدیریت جدید شرکت‌ها مطرح می‌سازد. کادبوری [۴] که این نظریه را در اواخر قرن بیستم مطرح

می‌سازد مبحث مدیریتی خاصی را در رفتار مدیران مطرح می‌نماید که طبق آن وظیفه مدیر حفظ منافع صاحبان سهام و مالکین و سرمایه‌گذاران شرکت است. این دیدگاه که در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از اساسی‌ترین نظام‌های مدیریتی مطرح است تا آنجا پیش رفته که در حال حاضر استانداردهایی نیز در کشورهای صنعتی برای آن ابداع گردیده است [۵].

در حکومت اسلامی نیز این مشابه این هدف‌گذاری سیاستی برای مدیر مشاهده می‌شود ولی مدیریت حکومت اسلامی وظیفه حداکثرکردن سود یا منافع مادی ملت خود را ندارد. بلکه وظیفه مدیریت حکومت اسلامی اعتلای اسلام و بشریت است. چهارچوب این نوع مدیریت در فقه اسلام مشخص شده است که ریز احکام آن نیز در همه زمینه‌های زندگی گسترده است.

گاه این شبهه پیش می‌آید که حکومت اسلامی می‌تواند با استناد و استخراج احکام ثانویه زمینه‌های دخالت در امور اجتماع را تا حد نیاز بیشتر نماید. باید ابراز داشت که این مسئله نیز دارای محدودیت است و فقط در شرایط اضطرار چنین تصمیماتی نافذ است. منظور از اضطرار شرایطی است که به دلائل تعریف نشده روند زندگی و حیات مردم دچار مخاطره شود. در اسلام در شرایط اضطرار تسهیل در قطعیت احکام پذیرفته شده است. [۶] این تسهیل در اصل کاستن از حدود حق الله و افزودن بر حقوق

الناس است. به عبارت دیگر اگر در شرایطی حیات ابناء بشر مستلزم نقض حدود حق الله است خداوند مجاز فرموده که با حداقل نقض حدود الهی اقدام به حفظ حیات انسانها گردد. این انعطاف‌پذیری از آیاتی که در مورد مآکولات نازل شده قابل استنباط است. البته در این موارد رعایت نیت عدم تخطی و از حد نگذراندن نیز مضاف بر علت اصلی اضطرار خواهد بود. در سوره بقره می‌فرماید: [۷] *فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ*. در سوره مائده می‌فرماید: *فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ* [۸] گرچه این مخمصه به معنی قحطی و گرسنگی است ولی استعمال آن در موارد مشابه نیز قابل تفسیر و تأویل می‌باشد.

در آیه دیگری می‌فرماید: وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ. [۹] به عبارت دیگر اگر در مواردی سختی و مشقت غیرمتعارف در عمل به تکلیف یا حکمی وجود داشته باشد آن تکلیف و حکم تا رفع موانع سختی ساقط می‌شود. [۱۰] نتیجه بحث در این که تنها در موارد خاصی دولت اسلام مجاز به انجام هزینه‌های اضافی مازاد بر موارد مذکور در فصول مجاز هزینه می‌باشد.

عدم جواز حق انتفاع مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی در بسیاری از موارد دیده می‌شود که مدیران در دستگاه‌های مختلف حتی با استناد به مستندات قانونی از منازل سازمانی، اتومبیل اداری، تلفن، کامپیوتر، خدمه، کارمند و سایر امکانات دولت بهره‌مند می‌شوند. در اسلام برای این چنین استفاده‌هایی مجوزی دیده نشده است. حکایت معروف استفاده حضرت داود ع از بیت المال و مورد عتاب قرارگرفتن حضرت و اینکه به حضرتش دستور سرادی می‌فرمایند مشهور است و این حکایت به تواتر ذکر شده است. [۱۱]

در زمان خلافت صوری علی ع متواتراً مروی است که آن حضرت برای انجام امور مربوط به مراجعات شخصی خود چراغ پی‌سوز که با روغن بیت‌المال روشن بود را خاموش می‌کرد و پس از مراجعت به امور دولتی مجدداً پی‌سوز را روشن می‌نمود. [۱۲] در همین موضوع مروی است که عقیل برادر حضرتش بود که در این باب استرحام نمود حضرتش آهن سرخ بر کف دست وی نهادند و وی را از آتش دوزخ که به دلیل استفاده شخصی (یا قومی) از بیت المال شعله‌ور می‌شود انذار فرمودند. [۱۳]

در نامه حضرتش به اشعث بن قیس عامل آذربایجان آمده است که مرقوم فرمود: «کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی، و به دستوری به کاری دشوار درآیی. در دست تو مالی از مالهای خداست عزوجل، و تو آن را خزانه‌داری تا آن را به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم. والسلام.» [۱۴]

همین‌طور در ارتباط با این موضوع از حضرتش منقول است که در رابطه با حیف و میل بیت‌المال در زمان حکومت عثمان چنین فرموده‌اند: «یخضمون مال الله خضم الابل نبتة الربیع». [۱۵] تشکیلات مالیه برای رفع نیاز مردم

گرچه این عنوان بیانی افراطی هدف اخذ مالیات است ولی اصولاً نیز باید هدف از اخذ مالیات رفاه حال ناتوانان و نیازمندان باشد. این موضوع از لحاظ کلی باعث می‌گردد که هزینه‌ها در طبقه‌های مختلفی سطر بندی شوند و بر اساس هرکدام از این سطور مالیات خاصی اخذ و هزینه گردد. اصولاً در مالیه اسلامی بسیاری از موارد هزینه از قبل محل مصرفشان مشخص است و این موارد مصرف برای درآمدهای مختلف تعاریف مشخص و قابل استفاده‌ای نیز از لحاظ اجرایی دارند. برای توضیح این موضوع به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی ع در فرمان به مالک اشتر رجوع می‌نماییم: می‌فرماید: «راستی وقتی که در کشوری نیازمندان و درویشان کمتر اوفتند و بازار زندگی رونقی دارد حاجتی به تشکیلات مالیه نیست. ما مالیات را برای مردم می‌خواهیم، ما خراج را می‌گیریم که به ارباب حاجت و بیچارگان برسانیم آن موقع که همه ثروتمند و توانگر

باشند، چه نیازی به دریافت خراج خواهیم داشت، در آن وقت مطمئنم که سراسر کشور خزانه و همه جا صندوق معتبر و آبرومند دولت ماست.» [۱۶] برداشتهایی که از این فرمایشات می‌توان داشت عملاً ما را به سمت این منزل رهنمون می‌کند که مالیه دولت اسلام کاملاً هدفمند و بر مبنای وظیفه [۱۷] تشکیل می‌شود. یعنی هرگاه نیاز به پرداخت به مستمندان است تشکیلات مالیه هم از لحاظ تعداد عاملین و هم از لحاظ میزان مالیات وسعت می‌یابد و هر وقت که این وظیفه تمام شد مجدداً کوچک شده به میزان قبل برمی‌گردد.

از لحاظ نظریات مدیریت و سازمان، این نوع سازمان‌ها منعطف تعریف می‌شوند و از لحاظ تعداد پرسنل یعنی زمانی که وظایف آنها سنگین است پرسنل زیادی را به کار می‌بندند و پس از رسیدن به هدف مجدداً به سازمان کوچکی با پرسنل و وظایف کم تبدیل می‌گردند. این نوع سازمانها از لحاظ کارآیی بسیار کارآمدتر از سازمان‌هایی هستند که همواره از وسعت سازمانی بزرگ برخوردارند.

در ادامه این بحث بایست گفت که چنانچه به این شکل دولت را از لحاظ مالی ترسیم کنیم باید بگوئیم که اولاً بودجه باید به روش بودجه‌ریزی بر مبنای صفر تنظیم شود. یعنی عملکرد مالی دولت باید نه کسری و نه مازاد بودجه داشته باشد. از سویی دیگر این موضوع ما را به عملکرد خنثی در سیاست‌های مالی می‌رساند عملکرد خنثی در سیاست‌های مالی دولت به معنی حداقل اثر درآمد و هزینه دولت بر رفتار اقتصادی مردم تعریف می‌شود. یعنی دولت چون به دلیل طبیعت خاص خود و عدم وجود

انگیزه‌های سود در آن معمولاً از کارآیی و کارآمدی اقتصادی کمتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار است، لذا دولت هرچه کوچکتر باشد و منابع مالی کمتری را به خود اختصاص دهد کمتر از بازدهی منابع اقتصاد می‌کاهد. در اصطلاحات اقتصاد کلان به این مبحث «اثر ازدحام» [۱۸] گفته می‌شود یعنی با ازدحام فعالیت‌های دولت در اقتصاد از فعالیت‌های بخش خصوصی کاسته می‌شود. از طرف دیگر هزینه‌های دولت که اثر آن بر رشد اقتصاد کمتر از هزینه‌های بخش خصوصی است از محل منابع درآمدی بخش خصوصی یا سایر منابع تأمین مالی اخذ می‌شود. لذا از یک طرف اثرات کاهنده رفاه را در سمت اخذ مالیات برجای می‌گذارد و از طرف دیگر اثر کاستن از کارآمدی

سرمایه‌گذاری یا هزینه را بر اقتصاد تحمیل می‌نماید. لذا بر همین اساس است که فقط تشکیلات مالی و سیاست‌های مالی به اندازه تأمین شرایط لازم و حداقل برای افراد ضعیف جامعه و موارد و مصالحی که شارع مد نظر قرار داده کفایت می‌کند و بیش از آن مصلحت دیده نشده است، همانطور که علی ع فرمود و ذکر آن رفت. و در جای دیگر نیز درباره عثمان می‌فرماید: لقد علمتم أنّی أحقّ بها من غیري، و والله لأسلمنّ ما سلمت أمور المسلمین. زیرا مردم به عثمان رو آورده بودند و حضرتش ضمن معرفی خود به عنوان مستحق‌ترین فرد برای خلافت می‌فرماید به خدا سوگند که اگر امور مسلمانان در سلامت باشد من تسلیم خواهم بود. [۱۹] یعنی هدف، سلامت امور مسلمین است و اگر حکومتی و در رأس آن عثمان به آن پردازد و رفع نیاز نماید نیاز به حکومت ظاهری من نیست. [۲۰]

از موارد دیگر در این ارتباط این است که برخی تا آن حد پیش می‌روند که معتقدند بیت‌المال یا خزانه نیز باید پس از پرداخت‌های لازم در مورد تأمین هزینه‌های الزامی که موارد آن مذکور است مازاد موجودی خزانه با بیت‌المال بایست بین مردم توزیع شود. و در این ارتباط به سیره پیامبر اکرم ص اشاره می‌نمایند که حضرتش پس از جهاد بخشی از غنائم را خود شخصاً برای موارد مورد نظر توزیع می‌فرمود و باقی را بین نیروی نظامی خودش توزیع می‌فرمود. [۲۱] گرچه این توزیع پس از جهاد صورت می‌گرفته است ولی در زمان حکومت و امیرمؤمنان علی ع نیز مرعی بوده است. [۲۲] مروی است که حضرتش تمام جمعه‌ها کل بیت‌المال را توزیع می‌فرمود و آن را می‌شست و پاک می‌کرد که در آن نماز بپای می‌داشت [۲۳] و می‌فرمود که هرگز مال مسلمین را حبس نکردم. [۲۴]

از لحاظ سیاست‌های مالی به معنی این است که با افزایش هزینه دولت از محل پرداخت‌های انتقالی تا حد دارائی‌های خزانه، رشد اقتصاد را تحریک می‌فرمودند. از لحاظ اقتصاد کلان بالاخص از دیدگاه کینز و کینزین‌ها هرگاه سیاست‌های پولی توان بیرون آوردن اقتصاد را از رکود نداشته باشد و مسائلی چون تله نقدینگی [۲۵] یا عدم هماهنگی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در اقتصاد رخ داده باشد تنها سیاست‌های مالی از طریق افزایش هزینه دولت اقتصاد را می‌تواند به سوی رونق تحریک نماید. این مبحث از عمده‌ترین مباحثی است که جان

مینارد کینز در کتاب معروف «نظریه عمومی بهره، پول و اشتغال» [۲۶] مطرح می‌سازد که مهمترین راه حل دفع بزرگترین بحران اقتصادی بشر در سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۹ بود.

تخصیص هزینه‌های آموزشی مختص به موارد خاص

علیرغم اینکه در اسلام به تحصیل علم اهمیت زیاد داده شده است ولی در استفاده تام و تمام از منابع عمومی در آموزش افراد تصریحاتی که حجیت داشته باشد در قرآن و احادیث و اخبار و روایات ملاحظه نمی‌شود. با توجه به گونه‌های مختلف آموزش می‌توان تمییز زیر را در آموزش‌هایی که توسط دولت اسلام مشمول صرف هزینه دولتی و استفاده از منابع دولت می‌باشد قائل شد.

□ آموزش ابتدائی به مفهوم تعلیم خواندن و نوشتن از وظایف دولت اسلامی است و باید در این راه صرف هزینه نماید. در این باب مواردی از احادیث و اخبار نیز روایت شده که نشان می‌دهد در صدر اسلام نیز رسول اکرم ص با تاسیس مدرسه‌ای به نام دارالقرآء تعلیم خواندن و نوشتن را برای عموم تسهیل فرموده بودند. [۲۷] گرچه خود حضرتش ص سواد نداشت که فرمود: «وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُ بِيَمِينِكَ» [۲۸] و أعلم علما بود. یعنی علم با سواد متفاوت است و علم از مجرای دیگری جدا از مدرسه و کتاب و درس قابل دریافت است، که فرمود: لیس العلم بالتعلم إنما هو نور يقع في قلب من يريد الله. [۲۹] آموزش ابتدایی مقدمات اولیه تحصیل سواد است و این مقدمه از مواردی است که می‌توان برای آن در دولت اسلامی هزینه‌ای تخصیص داد. [۳۰] در این ارتباط همچنین می‌توان به فرمایش رسول گرامی ص اشاره نمود که پس از جنگ بدر شرط فرمود که اگر اسیران جنگی که با سواد بودند هرکدام ده نفر از انصار را به سواد آموزش دهند آزاد خواهند شد. [۳۱]

□ تعمیم آموزش اولیه بند قبل به آموزش‌های متوسط و عالی و تخصیص و پرداخت هزینه آنها توسط دولت جای بحث دارد. زیرا می‌توان گفت بر اساس بررسی تاریخی صدر اسلام، عملکرد دولت اسلامی در زمان خلافت رسول اکرم ص به صورتی بود که در همه مسائل وارد نمی‌شد و در همه امور مسلمین و جامعه مداخله نمی‌فرمود و بسیاری از فعالیت‌ها را در امور مباحه طبقه‌بندی و رها نمود. اتخاذ این روش به این معنی بود که دولت اسلام با تحمیل بار مالی بر دوش افراد جامعه اقدام به فشار برای

توسعه بیش از حد اقتصاد کشور نمی‌نمود. به عبارت دیگر هر عمل سیاست‌گذاری منجر به بار مالی خواهد شد و این بار مالی بر دوش افراد جامعه خواهد بود. سؤال این است که آیا می‌توان هر مصلحتی را سیاست‌گذاری نمود و بار مالی آن را بر دوش افراد جامعه قرار داد؟ از روح تعلیمات اسلام چنین چیزی را نمی‌توان استخراج نمود. بار مالی اجباری در آن حد می‌تواند باشد که موارد اصلی مصرف صدقات را بپوشاند. یعنی تأمین حداقل معیشت زندگی برای افراد جامعه از وظایف دولت اسلام است و بار

مالی آن به نسبت درآمد افراد جامعه بر دوش آنان تحمیل می‌شود ولی بیش از این الزامی در فقه دیده نشده است که بتوان برای توسعه و رشدی بالاتر از این اجباری و تحمیل مالی بر دیگران نمود. منتها باید گفت که توافق افراد جامعه خود می‌تواند راه جدیدی را برای این حرکت باز کند یعنی افراد جامعه با توافق و داوطلبانه به صورت مجتمعاً یا منفرداً می‌توانند بر اساس نوعی قانون به این عمل یعنی اخذ مالیات و صرف آن در توسعه بیش از حداقل معیشت افراد جامعه مشروعیت بخشند.

در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر وجوب زکات دارد ولی بیش از حد تعریف زکات در مورد پرداختن صدقات آیات متعددی فقط به صورت انذار یا بشارت نازل شده که به

استحباب مؤکد آن را بیان فرموده. یعنی پرداخت زکات در حد میزان مشخص شده بر افراد واجب است ولی بیش از آن بسیار مستحب و ممدوح است. [۳۲] نکته حائز اهمیت این است که همانطور که در جای دیگر به آن

پرداخته شد [۳۳] نرخ زکات نه آن نرخ يك چهل، با يك دهم يا يك پنجم است. بلکه نرخ زکات را اولي الامر يعني كسي كه به مصداق آية شريفة يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ [۳۴] صاحب اذن معنعن از معصوم ع است مي تواند تعريف و تصريح نمايد. بر اين

اساس با افزايش درآمد در اثر افزايش نرخ زکات مسلماً موارد هزينه‌اي مي تواند در اين بخش يعني آموزش بيش از آموزش اوليه نيز با هزينه‌هاي دولت اسلام تحقق يابد.

□ آموزش علوم ديني نبايد از محل هزينه‌هاي دولت اسلام تأمين گردد. اين موضوع خيلي بحث انگيز است ولي بررسي فقه اسلام نشان مي دهد كه همچگونه مدركي دال بر جواز هزينه براي آموزش علوم ديني وجود ندارد. هيچ خبري يا روايتي يا حديثي يا حتي قولي ضعيف نيز در اين باره مشاهده نشده است كه بتوان از محل بودجه

بيت المال براي آموزش طلاب وجوهي را تخصيص داد. اين موضوع شايد از اين ديده‌گاه قابل بررسي باشد كه اگر تحصيل علوم ديني واجب است پس همه مسلمين بايد آن را فرا گيرند و در امور واجب به اين شكل صرف هزينه بي معناست مثل اينكه بگوئيم براي اينكه مسلمين نماز بخوانند هزينه نمايم براي گزاره اخير نيز مستندي نمي توان احصاء نمود. اگر هم تحصيل علوم ديني واجب نيست صرف هزينه به طريق اولي در امري كه ضرورت ندارد بيهوده است.

□ آموزش علوم و فنون نظامي در امور اسلام از اهميت خاصي برخوردار است در اين باب هرگونه توانائي مالي در جهت تجهيز منابع براي جنگ صحيح مي باشد. در قرآن كريم مي فرمايد: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» [۲۵] اهميت آموزش فنون نظامي تا آن حد است كه با اينكه قمار و شرطبندي در اسلام حرام است ولي براي تحريض جوانان به آموزش فنون نظامي شرطبندي در رقابت براي تيراندازي و شنا در فقه اسلام جايز شمرده شده است. لذا مي توان گفت كه صرف هزينه در اين جهت كاملاً مجاز است و محدوديتي در اين باب ملاحظه نمي شود.

□ آموزش تربيت بدني اگر در چارچوب بند قبل يعني جهات نظامي باشد مورد پذيرش است و مي توان در اين باب هزينه بيت المال را به آن تخصيص داد. در غير اين صورت مجوزي براي اين امر در فقه مشاهده نشده است.

عدم جواز هزينه‌هاي دستمزد در انذار، ارشاد، هدايت و تبليغ

انذار، ارشاد و هدايت و تبليغ هر كدام در اسلام ماموريت‌هاي خاصي است كه به افراد خاصي از جانب صاحب امر تفويض مي شود و هر كس در اسلام حق ندارد به اين فعاليت‌ها بدون اينكه مجاز و مأذون از طرف صاحب اجازه باشد بپردازد. انذار از رسالت نبي سرچشمه مي گيرد كه خطاب به رسول اكرم مي فرمايد: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» [۲۶] و «قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ». [۲۷] حدود ۱۲ آيه در اين موضوع است كه رسول اكرم ص مي فرمايد من از بابت رسالتم مردي از شما

نمي گيرم و مزد من نزد خداست. در قرآن كريم مي فرمايد: «فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ وَ أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» [۲۸]. از اين آيه حتي مي توان تفسير كرد كه حتي به حضرت امر شده كه همانند ساير مسلمين وجوه شرعي را بپردازد. در آيه ديگري به پيامبر ص خطاب مي شود كه: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبَّهً سَبِيلًا» [۲۹] و به كرات فرمود: «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [۴۰]. در آيه ديگر مي فرمايد: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» [۴۱]. در آيه ديگري مي فرمايد: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْهُمْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي

لِلْعَالَمِينَ» [۴۲]. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَيَّ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ» [۴۳] باز می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» [۴۴]، در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ» [۴۵] از آیات فوق واضح است که دریافت دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت مشروع نیست. این موضوع در مورد سایر پیامبران نیز صادق است و مختص به رسول اکرم ص نیست. خطاب به حضرت یوسف ع می‌فرماید: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» [۴۶] در جای دیگر تبعیت را مختص کسانی می‌فرماید که درخواست مزد نمی‌نمایند می‌فرماید: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ» [۴۷] بعبارت دیگر تنها و تنها کسانی که به هیچوجه درخواست مزدی نمی‌کنند قابلیت تبعیت (فرمانبرداری) دارند.

در تاریخ حکومت علی ع می‌خوانیم که حضرتش در دوران حکومت با اینکه تمام دارایی بیت‌المال در اختیار حضرتش بود ولی حتی کفش نو از آن استحصال نفرمود و بر گیوه پاره خود بارها پینه زد و از بیت‌المال استفاده نکرد.

هادی نیز که وظیفه ارشاد و هدایت را به عهده دارد نیز مشمول این قاعده است وقتی رسول اکرم ص در قبال رسالت خود مزد دریافت نفرماید هادی و ولی نیز بر این رویه می‌باشند. وظیفه هادی که در قرآن به نام «هاد» یا «ولی» یا «مرشد» از آن نام برده شده ارشاد و هدایت است. در قرآن کریم آمده است که: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا» [۴۸] مقام ولایت و ارشاد نیز شایسته دریافت مزد نیست. همانطور که درباره حضرت خضر ع و حضرت موسی ع در سوره کهف می‌بینیم که ارشاد و تربیت حضرت موسی ع توسط حضرت خضر ع بدون هیچ مزدی صورت می‌گیرد.

تبلیغ دین وظیفه فقیه آل محمد ص است و فقیه بر اساس تعریف منیه المریدین شهید ثانی کسی است که نور خدا را در جمیع اشیاء ببیند و مصداق «فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» [۴۹] قرار گیرد. و در تعریف فقیه می‌فرمایند: فقیه کسی است که در مقام محدثی قرار گرفته باشد یعنی ملک را در خواب ببیند و صدای او را در بیداری بشنود. [۵۰] در این مقام حق گفتن حدیث دارد. [۵۱] شأن فقیه و محدث نیز متعالی‌تر از این است که اجر مادی بگیرد.

با این تفاسیر باید گفت که مدخلی برای احتساب هزینه در مسائلی نظیر انذار و ارشاد و هدایت و تبلیغ برای انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی و صاحبان امر و اجازه متصور نیست و مزد این گروه نزد خداست و انجام این وظایف بر نیت قربت الی الله است و این شخصیت‌ها، خالصی یا مخلصی یا مخلصی خود را به دریافت دستمزد مخدوش نمی‌فرمایند بلکه مزد ایشان هر دو عالم است که به آن هم وقعی نگذارند و از دوست جز دوست نخواهند و بر دو عالم پشت پا نزنند. در شرح نهج البلاغه نیز مستور است که جوازی برای صرف اموال بیت المال جهت اجرت امام منظور نشده است. [۵۲]

این دو گروه خود دستمزد دریافت نمی‌کنند ولی حق دارند مبالغی را در بابت تألیف قلوب برای ایجاد محبت و نزدیک کردن دیگران به دین از محل درآمدهای خزانه بپردازند. [۵۳] این اختیار و تخصیص بر اساس آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» تجویز شده است. [۵۴] باید به این موضوع نیز متذکر شد که موضوع آیه ۴۰ سوره انفال که می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» [۵۵] منظور از تخصیص درآمد به رسول ص نه برای هزینه شخصی حضرت رسالت مآب ص است بلکه در اختیار حضرتش برای امور جامعه است به آن نحو که صلاح دانند هزینه فرمایند. [۵۶]

عدم جواز شارع مقدس ص به تخصیص هزینه به سادات
بر اساس آیه اخیر الذکر [۵۷] برخی گمان کرده‌اند که خمس تعلق به اولاد جسمانی و نوادگان رسول اکرم ص

دارد. این تعبیر بی‌انصافی است. اگر قرار بود که خمس به سادات تعلق گیرد بسیاری از موازین دینی دچار اشکال می‌گردید و در زمان رسول ص دیده نشد که حضرت فاطمه از این محل درآمدی دریافت نماید یا به حسنین ع وجهی از این بابت تعلق گیرد اگر قرار بر سیادت بود این بزرگواران اول السادات بودند. پس مفهوم لذي القربى نه قرابت جسمانی به حضرت ختمی مرتبت ص است بلکه مفهوم آن تخصیص به ائمه هدی است از برای امور جامعه و این تخصیص همانند تخصیص هزینه به رسول ص است از برای اجرای سیاست‌های مد نظر مبارکش.

برای تأیید این موضوع به این روایت اشاره می‌نمائیم که منقول است: امام موسی کاظم ع در زمین خود کار می‌کردند و پاهای حضرت عرق کرده بود. راوی عرض کرد فدایت گردهم، کارگرانی که به جای شما بایست کار کنند کجایند؟ فرمود: افراد بهتر از من و پدرم با دست در زمین خود کار کرده‌اند. عرض کردم چه کسی؟ فرمود: رسول خدا ص و امیر مؤمنان ع و پدرانم همگی با دست خود کار کرده‌اند و این از کارهای انبیاء و رسولان و اوصیای ایشان و شایستگان است. [۵۸] یعنی تمام این بزرگواران کار می‌کردند و اگر قرار بود از خمس برای خود بهره می‌بردند با توجه اینکه خمس از لحاظ اقتصادی ۲۰٪ ارزش افزوده یا تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد می‌توانستند بدون هیچ رنج و مشقت ظاهری ناش از کار معاش نمایند و فارغ از کارکردن باشند. [۵۹]

در تقسیم خمس فقها دو گروه را در نظر می‌گیرند سهمی برای خدا و سهمی برای رسول و سهمی برای امام که این سه سهم در این اعصار متعلق به حضرت صاحب الامر می‌باشد و سه سهم دیگر از آن ایتمام و راه‌ماندگان و مساکین از سادات است. در تعریف سادات فقها توریه به خرج داده‌اند و کسانی که از طرف پدر پشت به پشت به حضرت عبدالمطلب منتهی می‌شوند را سادات خوانده‌اند و کسانی که مادرشان سیده است را از سادات نمی‌دانند. این تعریف کمی اشکال دارد اولاً اگر سیادت جسمانی مطرح است باید پشت به پشت به حضرت رسول اکرم ص منتهی شود و اگر این باشد که باید تمام سادات صوری و جسمانی همه به فاطمه زهرا ع می‌رسند که با تعریفی که فقها می‌کنند که مادرش سیده باشد سید نیست پس هیچکس با این تعریف سیادت نمی‌یابد. پس هم تعریف سیادت به این شکل اشکال دارد هم تأویل و تفسیر ذی‌القربى در آیه خمس مراد فرزندان جسمانی حضرت نیست.

برخی گمان کرده‌اند که خمس را خداوند برای پیامبر ص و ذریه آن حضرت قرار داده تا محتاج زکات نشوند. این گمانه‌زنی اشتباه است و هیچ جایی این کلمات تصریح نشده که بلکه به عکس آن مشاهده می‌شود. تعلق خمس به رسول ص برای مصرف خود رسول نیست همانطور که پرداخت مالیات به اداره مالیات برای هزینه خود اداره مالیات نیست. عبارت دیگر رسول وظیفه جمع آوری درآمد و هزینه کردن آن را برای مصالح جامعه دارد، نه اینکه درآمد را به نفع خود جمع‌آوری نماید. به صراحت در قرآن کریم

می‌فرماید: «فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ وَ أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» [۶۰]. از این آیه حتی می‌توان تفسیر کرد که به حضرت امر شده که همانند سایر مسلمین وجوه شرعی انواع زکات را بپردازد. در آیه دیگری به پیامبر ص خطاب می‌شود که: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا» [۶۱] و به کرات فرمود: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [۶۲]. در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» [۶۳]. در آیه دیگری می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْهُمْ افْتَدَاهُ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ» [۶۴]. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا قَوْمِ»

لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ» [۶۵] باز می‌فرماید: «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» [۶۶]، در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا قَوْمِ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ» [۶۷]. از آیات فوق واضح است که دریافت خمس موضوع آیه ۴۱ سوره انفال برای رسول اکرم ص برای شخص حضرت

نیست بلکه تامین منابع مالی برای مصالح جامعه است. این موضوع حتی در مورد سایر پیامبران نیز صادق است و مختص به رسول اکرم ص نیست خطاب به حضرت یوسف ع می‌فرماید: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».[۶۸]

در جای دیگر تبعیت را مختص کسانی می‌فرماید که درخواست مزد نمی‌نمایند می‌فرماید: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ»[۶۹] بعبارت دیگر تنها و تنها کسانی که به هیچوجه درخواست مزدی نمی‌کنند قابلیت تبعیت (فرمانبرداری) دارند.

روایت: «خُمْسُ اللَّهِ لِلأَمَامِ وَخُمْسُ الرَّسُولِ لِلأَمَامِ»[۷۰] و همچنین: «فَالذِّي لِلَّهِ فَلِرَسُولِ اللَّهِ فَالرَّسُولُ أَحَقُّ بِهِ فَهُوَ لَهُ خَاصَّةٌ وَالذِّي لِلرَّسُولِ هُوَ لِذِي الْقُرْبَى وَ لِحِجَّةٍ فِي زَمَانِهِ»[۷۱] نیز معطوف به این امر است. شاهد این تحلیل رفتار امیرالمومنین علی ع است که علیرغم اینکه ریاست حکومت را هم داشت فقط ۱۷ من جو از بیت‌المال به امانت برداشت کردند و دلایل آن را هم ذکر کرده‌اند که حضرت به دلیل کثرت اشتغال فرصت تهیه قوت حداقل برای خود نداشتند و لذا برای اینکه امور مسلمین معطل نباشد ۱۷ من جو را به امانت برداشت کردند و سپس در زمان مقتضی به جای خود برگرداندند.

مذاکرات حضرتش با برادر نابینایش عقیل و گذاشتن آتش بر کف دست او در پاسخ به درخواست اضافه کردن مستمری وی نیز حاکی از این امر است که نه تنها اموال بیت‌المال برای رسول ص و جانشین او نیست بلکه برای ذی‌القربی‌ظاهری رسول ص و جانشین او ع نیست. زیرا اگر بود بایست حضرت امیر ع عقیل را به افزایش مستمری می‌نواخت و نه به آتش سوزان برکف دست سائل وی. داستان دیگری نیز در این باب ذکر شده که عقیل به دلیل سختی زندگی هفته‌ای ۷ نان جو از بیت‌المال مستمری دریافت می‌کرد. از خانواده‌اش خواست تا یک نان جو ظرف یک هفته پس‌انداز نمایند تا علی ع را به منزل خود دعوت کند تا آن حضرت سختی معیشت آنها را

بیند بلکه ترحم فرماید و مستمری عقیل و خانواده‌اش را از بیت‌المال بیشتر فرماید. روز آخر هفته که علی ع به دیدار عقیل تشریف بردند سئوال فرمودند تو که برای هر روز یک نان جو دریافت می‌داری چرا امروز بر سر سفره دو قرص نان داری؟ عرض کرد برای تشریف فرمایی شما در هفته گذشته در خوراک صرفه جویی کرده‌ایم تا شما را به يك قرص نان مهمان کنیم. حضرتش فرمود حال که در هفت روز با ۶ قرص نان می‌توانید سرکنید من بعد یک قرص نان از سهمیه مستمری هفتگی شما کسر خواهد شد.

اگر قرار بود منظور از «لِذِي الْقُرْبَى» در آیه ۴۱ سوره انفال خویشان پیامبر ص باشند پس وقایع فوق را چگونه می‌توان تفسیر نمود که عقیل نیز به نحوی از خویشان تلقی می‌شد از طرفی آیه شریفه: «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»[۷۲] نیز نه به معنی این است که به قربای من که در مالکیت من است دوستی کنید بلکه به قربای من که علی ع است و مأمور فرمان خداست که از طرف من که مأمور خدا هستم مأموریت یافته است دوستی نمایید یعنی اطاعت امر خدا نمایید - نه امر من به مفهوم مستقل یعنی امر من که فرمان خداست را تبعیت کنید[۷۳].

برای دریافت اینجا کلیک کنید

- [دانلود مقاله دستگاه دماسنج](#)
- [تحقیق در مورد حوادث برقی](#)
- [مقاله در مورد بررسی فعالیت بانکهای خارجی در ایران](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)